

متولد: ۱۳۲۲ تهران

دیپلم ریاضی از دبیرستان دارالفنون ۱۳۴۲

لیسانس گرافیک دانشکده هنرهای تزئینی ۱۳۴۸

فوق لیسانس نقاشی، دانشگاه ردینگ انگلستان ۱۳۵۷

۱۰ نمایشگاه انفرادی و تعداد کثیری نمایشگاه گروهی در ایران، انگلیس، ارمنستان و عربستان عضو هیئت علمی دانشگاه هنر

ملکی تاکنون چند نقد و ترجمه نیز در کارنامه‌ی فعالیت های خود ثبت کرده است.

ملکی می گوید: «دیدن چند کپی نقاشی با مداد رنگی از یکی از بچه های هم سن و سال خودم در دوران مدرسه تاثیر عجیبی روی من گذاشت. فکر کردم که من هم می توانم چنین کاری بکنم و

مسئله مطرح در میان هنرمندان این زمان بود اوج فعالیت نقاشان سقاخانه نیز در همین زمان است. ملکی در رویکرد خود به مسئله هویت روش مستقلی را در پیش می گیرد. او از نقوش سنتی به شکل مستقیم کمترین بهره را می برد. در عوض با توجه به ویژگی هایی مثل قرینگی، بافت، نقوش هندسی گلیم یا جاجیم سعی کرده است به منظور خود نائل شود اگرچه خواهیم دید که او در پرداختن به موضوع «هویت» حتی این رویکرد را نیز کنار خواهد گذاشت. ملکی در سال ۱۳۵۳ به انگلستان سفر می کند که این سفر منجر به چهار سال ماندگاری در آنجا می شود. دو سال اول در لندن به سیاحت می گذرد و دو سال بعد در دانشگاه «ردینگ» به تحصیل استاد مستقیم او نقاش سرشناسی به نام «تری فراست» بود. وی این دو سال را این گونه توصیف می کند:

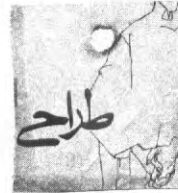
« در این دو سال بعد از چند سالی که کار نکرده بودم، شروع به انجام اتودهای کوچک رنگی

فرستاده ملکی

حسن موریزی نژاد

hmoorizi@yahoo.com

طراحان معاصر ایران



کردم. یک سال و نیم اول آن هر کاری که می کردم به نتیجه نمی رسید تا این که شش ماه آخر یک باره کارها به نتایج خوبی رسیدند و موفق از آب درآمدند. و این دوره ای است که روی نوارهای افقی تخته های چوبی کار کردم.» (۲)

ملکی در سال ۱۳۵۷ به ایران برگشت در دو سالی که او در دانشگاه ردینگ انگلستان تحصیل می کرد، از طرف دانشگاه فارابی بورسیه شد و بعد از بازگشت به ایران نیز به عنوان هیئت علمی در آنجا، مشغول به کار شد. سال ۱۳۵۷ سالی که ملکی از خارج به ایران بر می گردد دوران اوج گیری بحرانی است که از سال ها قبل شروع و منجر به سرگونی شاه و آغازگر دورانی تازه شده بود. چنین تحول عظیمی که ناشی از همدلی اقشار مختلف مردم بود، به تدریج وارد عرصه ای شد، که تضادهای فکری آن روز به روز پررنگ تر می شد. این تضادها منجر به تنشی شد که مرزها و گروه ها را از یکدیگر جدا کرد. فضای فعال و پر التهاب آن دوران خواهی نخواهی اقشار مختلف مردم را به نوعی درگیر خود ساخته، و آن ها را مستقیم یا غیر مستقیم وابسته به یک جریان فکری خاص ساخته بود.

ملکی تا سال ۱۳۵۹ در دانشگاه تدریس می کند. با وقوع انقلاب فرهنگی، چندسالی دانشگاه ها تعطیل می شود. با بازگشایی مجدد آن ها، دانشکده هنرهای

تزئینی، دانشگاه فارابی و چند دانشکده ی دیگر با یکدیگر ادغام می شوند و «مجمع دانشگاهی هنر» و مدتی بعد با نام «دانشگاه هنر» را شکل می دهند بعد از بازگشایی دانشگاه ها، فرشید ملکی با یکی دو سال تاخیر، مجدداً به کار دعوت می شود. قبلاً نیز اشاره شد که سال های جنگ، دوران خوبی برای غالب نقاشان نوگرا نبود و شاهد رکود در فعالیت علنی این هنرمندان بودیم. اغلب گالری های شخصی در این مدت فعالیت نمی کردند و معمولاً نمایشگاه ها شکل محفلی و دوستانه پیدا کرده بود. با این وجود فرشید ملکی در سال ۱۳۶۳ موفق می شود اولین نمایشگاه انفرادی خودش را بعد از بازگشت از انگلستان در انستیتو گوته برگزار کند. «من یادم هست که به اصرار می خواستم کارهایم را به نمایش بگذارم و بر این اعتقاد بودم که نقاش های مدرن مملکت ما باید کارشان را بعد از انقلاب ادامه دهند و مطرح کنند و جا نزنند. من به جرات می توانم بگویم این اولین نمایشگاه مدرنی بود که بعد از انقلاب گذاشته شد.» (۳) آثار به نمایش درآمده در این نمایشگاه عبارت بودند از تعدادی از کارهای وی در انگلستان به علاوه تجربه های تازه ای که ادامه کارهای او در دانشگاه ردینگ بود. او در این آثار به ریتم و موسیقی ایرانی توجه دارد و می خواهد که به نوعی این ریتم ها را به زبان بصری تبدیل کند. مهدی حسینی در گفت و گویی کارهای این نمایشگاه را این گونه توصیف می کند: «در نمایشگاه انستیتو گوته. کارها یک مقدار تجربی بود و تقریباً یک گسست را نشان می داد. این گسست در ارتباط با کارهای قبلی ایشان بود و در ارتباط با تمام آن اعتقادات، وهم این که گسستی بود از نظر نابسامانی موجود، هم

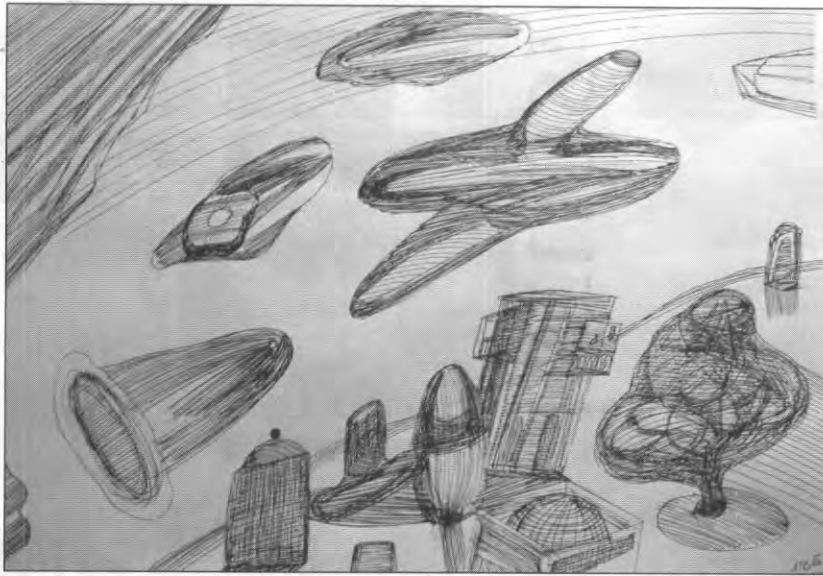


این سرآغازی برای نقاشی کردن من شد. از آن به بعد هر فرصت و امکائی که دست می داد را صرف نقاشی کردن می کردم. آن سال ها پدر و مادرم جدا از یکدیگر زندگی می کردند و من و برادرم اجازه داشتیم روزهای جمعه به خانه ی مادرم برویم. در نزدیکی خانه ی مادرم هنرستان کمال الملک بود که کلاس های آزاد نقاشی نیز داشت. آنجا ثبت نام کردم. استاد آن زمان مرحوم محمود اولیا از شاگردان کمال الملک بود. برای طی مسیر از منزل پدرم تا هنرستان دوبار باید اتوبوس عوض می کردم. اما پول توجیبی من فقط کفاف یک مسیر را می داد و همیشه فاصله زیادی را باید پیاده می رفتم و این کار را با عشق انجام می دادم.» ملکی چند ماهی بیشتر به کلاس نقاشی نرفت و از آن به بعد را تا پایان دوران دبیرستان خودش به طراحی کردن پرداخت. هنوز چند دفترچه طراحی از آن سال ها به یادگار مانده است موضوعات طراحی شده در این دفترچه ها، اغلب همان موضوعاتی هستند که هنر جوان مشتاق در ابتدا به آن می پردازند: طراحی از مردم کوچه و بازار، طراحی از چهره، اشیاء و چند طراحی ذهنی که تلاش و گرایش او به ساده کردن فرم ها و پیکره هارا می توان تشخیص داد.

سال ۴۲ سال ورود فرشید ملکی به دانشکده هنرهای تزئینی (دانشگاه هنر فعلی) است. دوران دانشجویی و

فضای نوگرای دانشکده هنرهای تزئینی، به علاوه حضور هم دوره ای یا هم کلاسی هایی نظیر مرحوم رسائل، انواری، منوچهر صفرزاده، مهدی سبحانی و ... طبعاً نمی تواند در ذهنیت نوجوی او بدون تاثیر باشد اگر چه خود او معتقد است که اساتید و روش آن ها در این دوره کمترین تاثیر را در او داشته اند و تالار قندریز (۱) و بحث های روشنگرانه ای که در آن صورت می پذیرفت، بیشترین تاثیر را در تحول اساسی شیوه کاری او داشته است. آغاز همکاری ملکی با تالار قندریز از حدود سال ۴۷ شروع می شود. شاید هم به همین دلیل تلاش های وی در نقاشی جدی تر می شود. از این به بعد تا سال ۱۳۵۳ که عازم انگلستان می شود دوران پرکار و پرباری را پشت سر می گذارد. در این دوره او تلاش داشت تا پیکره ها را کاملاً ساده کند. آنقدر ساده تا به انتزاع کامل برسند. دفترچه های طراحی این دوره ای او پر هستند از طراحی های که جستجوهای او را در این جهت نشان می دهند، بسیار اتود می زند و اصلاً نقاشی های خود را با همین اتودها شروع می کند. طراحی برای او هنوز امر مستقلی نیست، بلکه وسیله ای برای جستجوهایش هستند. نقاشی های او از سال ۴۷ به بعد بافت و شکلی انتزاعی پیدا می کنند. عمده وسیله ای که او در این زمان، کنده کاری روی لیوتوم و یا چوب است. تکراری از ریتم نقاط، خطوط موازی و یا سطوح مهم ترین عناصر تشکیل دهنده ی آثار وی است. به تدریج با تنظیم روابط سطوح که معمولاً در میانه ی کادر صورت می داد، توتم ها یا انسان واره هایی را تجسم بخشید، که سخت متکی به خود به نظر می رسیده اند. نکته مهم دیگر در آثار این دوره او پرداختن اش به موضوع هویت است که

از لحاظ انقلاب و هم از جهت جنگ و به هر حال این دوره کاری، بحران را کاملاً برای ما آشکار می‌کرد» (۴) با پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۸، فضای سیاسی نیز نسبت به گذشته بازتر می‌شود و شاهد رونق‌گیری فعالیت مجدد گالری‌ها هستیم. فرشید ملکی در این سال دومین نمایشگاه خود را در گالری شیخ به نمایش درآورد. در مجموعه آثار این نمایشگاه تفاوت بارزی نسبت به نمایشگاه‌های قبلی او مشاهده می‌شود. فرم و فضای هنری و منطقی آثار گذشته، جای خود را به مجموعه آثاری بخشیده بودند که



مهندسی و معماری داشت کار کنم. ولی شروع کردم و طرز کارم این طوری بود که بدون این که به هیچ چیز فکر کنم خط می‌کشیدم و خط دنیاهایی را به من نشان می‌داد و شکل‌هایی به وجود می‌آورد. گاهی آدم، گاهی حیوان و گاه نیز صرفاً یک فضای آبستراکت شکل می‌گرفت» (۶)

بدین ترتیب ملکی همه‌ی چیزهایی که ممکن است ذهن آدم را درگیر خود کند کنار گذاشت و سفیدی کاغذ و سیاهی رنگ را وسیله خود قرار داد تا فارغ از هر چیزی حتی ترکیب‌بندی کار کند و با «تخیلی آزاد» به بیان ذهنیت رویا گونه

خود بپردازد. (۷)

حاصل چنین رویکردی فضای بسیار مبهم و راز آمیزی از عناصر گاه آشنا و گاه غریب و یا بسیار شگفت‌انگیز است. این فضای نا آشنا بیننده را در خود فرو می‌برد تا روایتی را برای او آغاز کند. اما جنس این روایت و تجربه‌های عادی و روزمره‌ی ما است. باید چشم را فروبست و با تخیل خود وارد این دنیا شد. در این صورت شاید آن را مشابه رؤیای خود بباییم. طراحی‌های ملکی بیان فردی کوهی از تجربه‌های تلخ و شیرینی است که او از سر گذرانده. همچنین بیان محیط و آدم‌هایی است که او را فرا گرفته‌اند. اما اشاره او به این تجربه‌ها اشاره‌ای مستقیم نیست. گویی او دنیا را از دریچه‌های کودکی می‌نگرد. طراحی‌های او پر از اجسام شناور هستند. ماشین‌ها، سنگ‌ها و یا موجوداتی فضایی، و در چشم انداز برهوت و در زمانی نامعلوم. هزاران سال قبل و یا صدها سال آینده. در هر صورت گویی دنیا را مدتی بعد از فاجعه‌ای عظیم شاهدیم. با حساسیت بسیار عمیقی که در ملکی سراغ داریم، او به چه چیزی اشاره می‌کند؟ او می‌گوید:

«به نظر من هنرمند شاخک‌های خیلی تیزی دارد و این قدر نسبت به دنیای اطراف خود حساس است که می‌تواند آینده را پیش‌بینی کند. من گاهی در خواب و رؤیاهای مان آینده را پیش‌بینی می‌کنم، برای من بارها اتفاق افتاده یا لحظه‌هایی که یک چیزهایی و مکان‌هایی را دیده‌ام، مثل این که قبلاً دیدمشان. حالا حس ششم است و یا چیز دیگری نمی‌دانم. برای همین است که هنرمند نسبت به جامعه‌اش پیشرو است.» (۸)

اندازه طراحی‌های ملکی ابتدا متنوع بودند، اما بعد از مدتی طراحی‌های او ابعاد ۳۵×۵۰ و به صورت افقی، شکل ثابتی یافتند. استفاده از ابزارهای دیگری، غیر از قلم رایید که وسیله اصلی و مورد علاقه‌ی او در اجرای طراحی‌هایش است، و همچنین اجرای این آثار در ابعاد بزرگتر در کنار به‌کارگیری رنگ، مدتی دغدغه‌ی وی شد، ولی چنین تجربه‌هایی چندان دوام نیاورد و مجدداً به همان ابعاد گذشته بازگشت. شاید دلیل این امر، پرداخت روان و راحت به ذهنیت، با استفاده از سهل‌الوصول‌ترین ابزار باشد. اگر چه در کارهای اخیرش باز شاهد تغییر در استفاده از ابزار و حتی حال و هوای آثار هستیم.

هنرمند در آن‌ها، ضمن استفاده از رنگ (البته به شکل نسبتاً خاموش) رفتار آزادتری نیز پیدا کرده و آثارش حال و هوایی اکسپرسیو یافته بودند. اگر چه فرم‌های هندسی و آدمک‌های توتم وار هنوز حضور داشتند، و این آثار را با گذشته پیوند می‌دادند ملکی در بروشور این نمایشگاه درباره‌ی کارهای خود این‌گونه می‌نویسد: «آثار این نمایشگاه بازگشتی فیگوراتیو به کارهای تجربی-هندسی هستند که حدود ۲۰ سال پیش انجام داده‌ام. اغلب بینندگان این کارها، آن‌ها را توتم‌های آفریقایی و با نقوش سرخپوستی و هندسی مقایسه می‌کنند، که من هرگز هنگام کار به آن‌ها نیاندیشیده‌ام. ریشه‌ی این شباهت‌ها را باید در همان مقوله و جدان جمعی جستجو کرد. این نمادها، نمودار ترس‌های ما، رازها و رمزهای ما و نمودار اعتقادات، عواطف و عشق‌های ما هستند.»

سال ۱۳۷۰ فرشید ملکی نمایشگاه دیگری تقریباً با همان حال و هوای نمایشگاه قبلی در گالری گلستان برگزار می‌کند اما تقریباً دو سال بعد شاهد نمایشگاه کاملاً متفاوتی از او در گالری آریا هستیم (۱۳۷۲). در این مجموعه جدید، دیگر از توتم‌های گذشته خبری نبود و نقاش بی‌هیچ کنترلی و با راحتی کامل جریان پیشرفت کار را به احساسات و اتفاقات از پیش تعیین نشده سپرده بود. رنگ‌ها و خطوط در فضای کاملاً سیاسی با یکدیگر مرتبط می‌شدند و بده‌بستانی دائمی را صورت می‌دادند. نقاش آزادانه و بی‌هیچ قیدی و به طور کاملاً غریزی کارش را آغاز و به سرانجام رسانده بود: «در این نمایشگاه مقدار زیادی تحت تاثیر کارهای حنا، دخترم بودم که در آن زمان ۳-۴ ساله بود. حنا که کار می‌کرد هیچ وقت دغدغه چیزی را نداشت و راحت کار می‌کرد. رنگ و فرم و آدمک‌های خاص خودش را می‌آورد و من شدیداً از کارهای او متأثر بودم... من توی این مرحله فکر کردم که نقاش باید از هر دغدغه‌ی خطری به دور باشد، نقاش وقتی شروع به کار می‌کند نباید دلواپسی این را داشته باشد که کارش بد یا خوب شود، باید کار کند و بگذارد کار خود به خود به وجود بیاید و حالت فی‌البداهه پیدا کند. من اعتقاد داشتم که ما همیشه یک آدمی را پشت سر خودمان قرار می‌دهیم که همیشه به ما می‌گوید این کار خوب است، این کار را نکن. من در این مرحله از کار به این نتیجه رسیدیم که باید این آدم را از پشت سر خودمان برداریم و خودمان را از دستش آزاد کنیم، و کاملاً راحت، بدون این که دغدغه این را داشته باشیم که کارمان بد یا خوب شود، کار کنیم و بگذاریم تا تمام غرایز ناخودآگاه ما در کارمان منعکس شود.» (۵)

مجموع آثاری که ملکی در این نمایشگاه ارائه کرده بود دارای تنوع زیادی بودند، حاکمیت و تنوع رنگ در برخی، در برابر استفاده از حداقل رنگ و یا حتی تک‌فام شدن در برخی دیگر، استفاده‌ی فراوان از خطوط گوناگون در کنار حضور سطوح رنگین و یا استفاده صرف از خط، نشان از تنوع فضای آثار وی در این دوره است. با این وجود آن‌چه آثار را با یکدیگر پیوند می‌داد، کنش و رفتار آزاد هنرمند در استفاده بی‌دریغ و کنترل نشده از مصالح و عناصر کارش بود. به همین جهت نیز آثار در فضایی میان آبستره محض در اغلب، تا حضور گاه گنگ و گاه مشخص‌تر پیکره آدمی در نوسان بودند.

سال بعد نیز (۱۳۷۲) ملکی نمایشگاه مشابه دیگری در گالری آریا برگزار می‌کند اما از سال ۱۳۷۴ به بعد شاهد تحول دیگری در روند کارهای او هستیم. ملکی در تجربه‌های جدید خود به تدریج رنگ را کنار می‌گذارد و به خط رو می‌آورد. «آخرین تجربه‌هایم از سال ۷۴ شروع شد، که در قطع‌های حدود ۳۵×۵۰ یک سری طراحی‌ها را با رایید انجام دادم. هیچ وقت فکر نمی‌کردم که یک روزی با وسیله‌ای این قدر محافظه‌کارانه که کاربرد



پی‌نوشت:

- ۱- نام نگارخانه‌ای که با نمایش آثار قنبریز، مرتضی معیز، سیروس مالک، محمدرضا جودت، پیلارام، عربشاهی، صادق تبریزی، رویین پاکباز، قباد شیوا، فرشید مثقالی، محمود محلاتی و هادی هزاره‌ای در تهران گشایش یافت (۱۳۶۴م، ۱۳۶۳ش). بعداً به کوشش جودت و پاکباز، شکل یک کانون فرهنگی به خود گرفت، و به مدت سیزده سال در زمینه‌های نمایش آثار نقاشی، گرافیک، عکاسی و مجسمه‌سازی، معرفی و نقد آثار هنرمندان جوان، ترجمه و چاپ کتاب‌های هنر و معماری، و انتشار جنگ‌های هنری فعالیت مفید و مؤثر کرد. در جریان فعالیت این کانون، هنرمندان دیگری چون احمد عالی، پروانه اعتمادی، سعید شهلاپور، میر حسین موسوی، فرشید ملکی و کارنیک درهاکوبیان با آن همکاری داشتند. این نگارخانه با عنوان «تالار ایران» شروع به فعالیت کرد، ولی پس از مرگ قنبریز (۱۳۶۴) و برای بزرگداشت او به این نام خوانده شد. «دایره‌المعارف هنر. رویین پاکباز»
- ۲- بررسی زندگی و آثار آقای فرشید ملکی، هدی روحی‌پور. استا راهنما: معصومه مظفری، دانشگاه آزاد، ۱۳۷۹. صفحه ۵۱. این پایان‌نامه شامل گفتگوی مفصلی است که با فرشید ملکی و در خصوص دوره‌های کاری وی صورت پذیرفته. همچنین گفتگو با چند صاحب‌نظر، نقدهایی که در خصوص کارهای ملکی انجام شده و نیز نقدها و ترجمه‌های خود ملکی از جمله مطالب این رساله است.
- ۳- پیشین، صفحه ۵۲
- ۴- پیشین، صفحه ۱۳۳
- ۵- پیشین، صفحه ۵۴
- ۶- پیشین، صفحه ۸۰
- ۷- رجوع کنید به «واقعیت این‌گونه است، شاید...» حرفه هنرمند، شماره ۲، پاییز ۸۱، صفحه ۱۵۱. این گفتگوی بسیار خواندنی با فرشید ملکی است که در آن به خصوص به بررسی کارهای اخیر او پرداخته می‌شود.
- ۸- پیشین، صفحه ۱۵۴

فقط با قلم می توان ...

نوشت
طراحی

و امضاء کرده

ایده آل برای

- ✓ طراحی گرافیک
- ✓ طراحی صنعتی
- ✓ نقاشی
- ✓ تصویرسازی
- ✓ مونتاژ ویدیویی
- ✓ کلاسهای آموزش
- ✓ معرفی محصول
- ✓ اتوماسیون اداری
- ✓ پاراف نامه
- ✓ امضاء نامه
- ✓ برگزاری سمینار

سازگار با

Photoshop

Painter

Corel

Word

Powerpoint

Outlook, ...

حساس به فشار

حساس به زاویه

پلکان انتقالی قلم

بدون باطری

بدون سیم



Cintiq
interactive pen display

Size: 15" . 17" . 18"



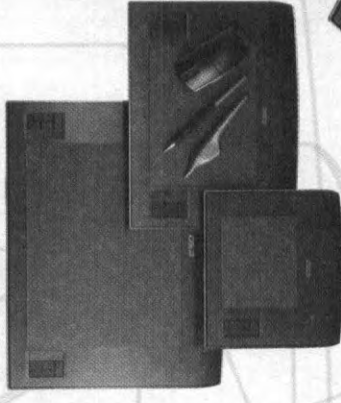
Pen Partner

Size: A7



volito

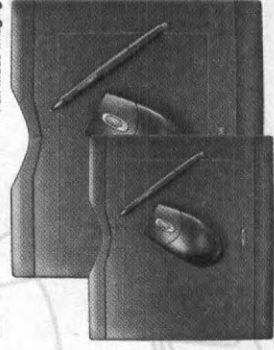
Size: A6



intuos³

Size: A6. A5. A4. A3

Graphire³
Pen made imaging



Size: A6. A5.

جدید
5080 DPI

جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت مراجعه نمایید

www.limacCo.com



لیماک
تهران، خیابان میرزای شیرازی، بالاتر از
خیابان مطهری، کوچه عرفان، پلاک ۲۲ واحد ۴
تلفن و دورنگار: ۹ - ۶۶ ۵۶ ۸۷
www.limacCo.com
Email: info@limacCo.com



سازمان زیباسازی

(۱)



سازمان زیباسازی شهر تهران در راستای ارتقا کمی و کیفی آثار حجمی در سطح شهر تهران فعالیت خود را در خصوص ساخت و نصب مجسمه یادمان در تهران از سال ۸۰ به صورت جدی دنبال نموده که حاصل آن ایجاد و برگزاری اولین باغ مجسمه در ایران در فضای پارک ایرانشهر و در جوار خانه هنرمندان می باشد. در این پروژه ۳۰ مجسمه تعریف گردیده که ۶ عدد آن نصب و ۱۵ مجسمه دیگر به زودی آماده نصب و پرده برداری در پارک خواهند بود. از جمله اهداف و برنامه های اداره حجم سازمان زیباسازی می توان به پروژه های زیر اشاره نمود:

■ بوستان مشاهیر شهر ری، با همکاری شهرداری منطقه ۲۰ شامل ۱۰ عدد نیم تنه از مشاهیر شهر ری.

■ بوستان گفتگو شامل ۸ عدد مجسمه در پارک گفتگو منطقه دو.

سازش ساخت حدود ۱۷ مجسمه در سطح شهر تهران با موضوعات و مفاهیم متنوع که تعداد زیادی از آن تا پایان سال ۸۳ نصب خواهد شد

■ شناسنامه دار کردن کلیه آثار حجمی در سطح شهر تهران و به روز کردن اطلاعات آن توسط مشاور جهاد دانشگاهی دانشکده هنرهای زیبا.

■ تهیه و تدوین شناسنامه هنرمندان و مجسمه سازان.

مرمت و بازسازی احجام از جمله سردیس مشاهیر پارک ملت، مجسمه حکیم عمر خیام در پارک لاله و مجسمه فردوسی در میدان فردوسی آثار زنده یاد ابوالحسن خان صدیقی.

■ ترجمه کتب خارجی در خصوص مجسمه های شهری میداين و خریداری کتب و رسالات در این زمینه و برگزاری فراخوان های محدود و عمومی به منظور ساخت و اجرای مجسمه های میداين و پارک ها و دریافت پیشنهادات و طرح های هنرمندان.

در این راستا اداره حجم سازمان زیباسازی شهر تهران ضمن همکاری با مجسمه سازان و هنرمندان خوب کشور خواستار همکاری و مشارکت هنرمندان در امر زیباسازی شهر و ارتقا هنر مجسمه سازی می باشد.



(۵)



۱. یادمان شهید آیت الله العظمی بروجردی در بوستان شهید رجایی منطقه کیمه
۲. دورچند / حمیدرضا میرزاوندی / بوستان شهید رجایی منطقه کیمه
۳. مطازه / ابرخ کریم / بوستان شهید رجایی منطقه کیمه
۴. نیم تنه زنده یاد ابوالحسن صدیقی / بوستان شهید رجایی منطقه کیمه
۵. مشاهیر شهر ری / بوستان مشاهیر شهر ری / منطقه کیمه
۶. دورچند / حمیدرضا میرزاوندی / بوستان شهید رجایی منطقه کیمه